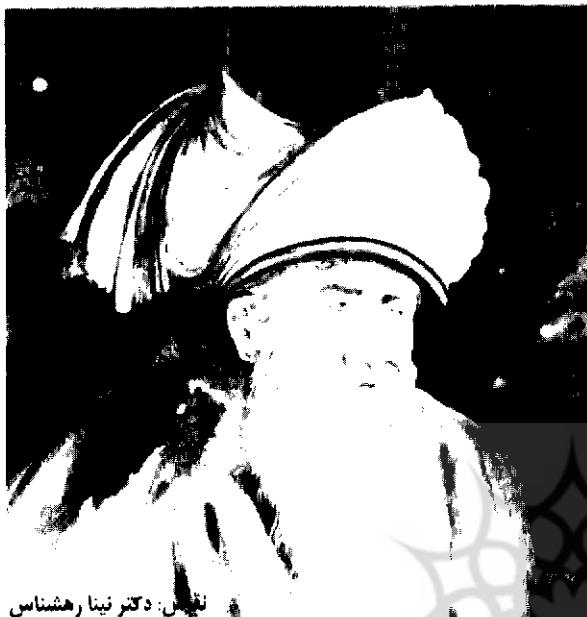


مولوی، پیام آور همزیستی دوستانه انسانها

با فرهنگ‌های گوناگون

دکتر حسین فرهادیان



نیش: دکتر فینیا رهنسناس

چراغ‌های متعدد در نظر می‌گیرد که گرچه چراغ‌ها هر یک جدا و مستقل هستند ولی ذات آنها که نور است صفت مشترک آن‌هاست و در این مورد چنین می‌گوید:

ده چراغ از حاضر آید در میان

هر یکی باشد به صورت غیر آن

فرق نتوان کرد نور هر یکی

چون بیرونش روی آری بی‌شکی

هم‌چو آن یک نور خورشید سما

صد شود نسبت به سخن خانه‌ها

لیک یک باشد همه انوارشان

چون که برگیری تو دیوار از میان

برای ظهور صفت ذاتی مشترک انسان‌ها برای پیوستگی، مولوی از میان برداشتن موانع را پیشنهاد می‌کند که همان پندارهای تعصب‌آمیز و خودخواهانه است و در این مورد چنین می‌گوید:

یک گهر بودیم، هم‌چون آفتاب

بی گره بودیم و صافی هم‌چو آب

چون به صورت آمد آن نور سره

شد عدد چون سایه‌های کنگره

کنگره ویران کنید از منجنيق

تا رود فرق از میان این فریق

■

〔〕 مولوی در آثار خود غالباً از وصل سخن می‌گوید و از هر چه بُوی فراق آید گریزان است و می‌گوید:

تباین رو هر سخن که در آن نشان دوری و بیگانگی باشد نزد مولوی نفس سرد خزانی است و موجب ملال خاطر است و هر سخن که از آن بُوی دوستی و بیگانگی آید نفس مشک بیز بهاری است و باید مشام جان را با آن عطرآگین ساخت.

مولوی می‌گوید بد مطلق در جهان وجود ندارد و فرقه‌های مختلف انسان‌ها نباید معتقدات یکدیگر را به طور مطلق گمراه کننده و نادرست بدانند و موجب تفرقه و جدایی را فراهم کنند و در این مورد چنین می‌گوید:

پس مگو کاین جمله دین‌ها باطلند

باطلان بر سوی حق دام دلند

این حقیقت دان نه حقند دین همه

نی بکلی گمراهاند این همه

پس مگو جمله خیال است و ضلال

بی حقیقت نیست در عالم خیال

آن که گوید جمله حق است احمقی است

و آن که گوید جمله باطل اوشقی است

چون که حق و باطلی آمیختند

نقد و قلب اندر چرمدان ریختند

پس محکمی بایدش بگزیدهای

در حقایق امتحان‌ها دیدهای

ما شود فاروق این تزویرها

تابود دست ور این تغییرها

پس بد مطلق نباشد در جهان

بد به نسبت باشد این را هم بدان

در زمانه هیچ زهر و قند نیست

که یکی را یادگر را بند نیست

زهر ماران ما را باشد حیات

نسبتیش با آدمی باشد ممات

خلق آیی را بود دریا چو باغ

خلق خاکی را بود آن مرگ و داغ

مواوی معتقد است که در ذات همه‌ی انسان‌ها یک صفت مشترک

بیگانگی وجود دارد ولی این صفت ذاتی با پرده‌های از نیمی معتقدات

تعصب‌آمیز و پندارهای خودخواهانه پوشیده شده است. مولوی گاهی این

صفت مشترک ذاتی را به نور تشبیه می‌کند و انسان‌ها را به صورت